

بررسی تاثیر پذیری عملکرد صنایع از سیاستهای رقابتی با تاکید بر درجه رقابتی آنها (مطالعه موردی صنایع ایران)

*سیاوش جانی^۱

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور

(دریافت: ۱۳۹۴/۵/۶ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۵)

Effectiveness of Competition Policies on Manufacturing Performance (Case Study of Iran's Manufacturing Sector)

*Siyavash Jani¹

1. Assistant Professor, Faculty of Economics, Payam-e-Noor University

(Received: 28/July/2015 Accepted: 4/May/2016)

Abstract:

In this study the impacts of competition policy, including trade liberalization and privatization on the growth of Iran's manufacturing sector will be examined. Studying this issue between Iranian manufactures based on ISIC 4 digit code and dynamic panel approach implies that freer trade (tariff reduction) increases competition pressure for the monopoly industries and thus enhance the efficiency of firms.

Also the results show that the privatization policy has a positive effect on productivity growth in manufactures with low competition degree which shows that profitability encourages new owners' incentive to invest on modern technologies or to better use of resources in the level of available technology.

Due to the findings of this study emphasize on competitive policies (freer trade and privatization) in manufactures with low competition degree and profitable lead to productivity promotion.

Keywords: Market Competition, Competition Policies, Trade Freedom, Privatization, Manufactures' Performance.

JEL: D2, F12, F13, L33.

چکیده:

در این مطالعه تاثیر سیاستهای رقابتی که به طور عمده در قالب آزاد سازی تجاری و خصوصی سازی در ایران اجرا گردیده، بر رشد بهره وری صنایع با تاکید بر درجه رقابت بازار مورد بررسی قرار گرفته است. براساس مطالعات انجام شده اثر گذاری سیاستهای رقابتی بر عملکرد صنایع متاثر از درجه رقابتی بازار است. بررسی این موضوع در صنایع کارخانه ای ایران براساس کدهای ۴ رقمی ISIC و رویکرد پانل پویا دلالت بر آن دارد که آزادسازی تجاری (کاهش تعرفه ها) فشار رقابتی را برای صنایع انحصاری افزایش داده و بدین ترتیب کارایی بنگاههای فعال در صنایع مذکور را ارتقاء می دهد. همچنین نتایج این مطالعه حاکی از آن است که سیاست خصوصی سازی تاثیر مثبت بر رشد بهره وری در صنایع با درجه رقابتی پایین دارد که نشان می دهد سودآوری موجب تقویت انگیزه مالکین خصوصی جدید بنگاهها برای سرمایه گذاری در تکنولوژیهای مدرن و یا استفاده بهتر از منابع در سطح تکنولوژی موجود می گردد. بر اساس یافته های این تحقیق تاکید بر سیاستهای رقابتی (آزاد سازی تجاری و خصوصی سازی) در صنایع با درجه رقابتی پایین و سودآور، موجب ارتقاء بهره وری در صنایع مذکور می شود.

واژه های کلیدی: درجه رقابتی بازار، سیاستهای رقابتی، آزاد سازی تجاری، خصوصی سازی، عملکرد صنایع.

طبقه بندی JEL: D2, F12, F13, L33.

۱- مقدمه

در مطالعات انجام شده برای لایحه تسهیل رقابت در ایران^۱، سیاست رقابتی مجموعه‌ای از اقدامات پشتیبان عنوان شده است که به طور مستقیم بر رفتار بنگاهها و ساختار صنایع اثرگذار بوده و رویکردش حذف عملکردهای ضد رقابتی بخش خصوصی و دولتی است که علاوه بر قانون رقابت مشتمل بر سیاستهای آزاد سازی تجاری، خصوصی سازی، سیاستهای صنعتی، سیاستهای حامی رقابت، باز تنظیم بازار مالی، حمایت از مصرف کننده و ایجاد توازن در توزیع درآمد می باشد (حسینی و شفیعی، ۱۳۸۶)

در جریان گرایش به سمت سیاستهای رقابتی در جهان، اجرای سیاست های مذکور در ایران نیز طی برنامه سوم توسعه مورد توجه قرار گرفت و پس از سال ۱۳۸۰ علاوه بر جهت گیری به سمت آزادسازی تجاری و حذف موانع غیر تعرفه‌ای و تعرفه ای، با تصویب قانون حمایت و تشویق سرمایه گذاری خارجی مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۹، ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به ویژه بند «ج» آن و در نهایت قوانین و مقررات مربوط به تسهیل رقابت و منع انحصار که در فصل نهم قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم و اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ارائه شده، بر رقابتی شدن فعالیت های اقتصادی در ایران تاکید گردید، که در این میان واگذاری شرکتهای دولتی و آزادسازی تجاری که همراه با حذف موانع غیر تعرفه‌ای و تعرفه‌ای به دلیل گسترده بودن تاثیر آنها بر اقتصاد ایران از اهمیت بالایی برخوردار است.

تاکید بر سیاستهای رقابتی در حالی است که بررسی ها نشان می دهند اثرگذاری سیاستهای رقابتی از قبیل خصوصی سازی، آزاد سازی تجاری، تسهیل موانع ورود بنگاه ها در ساختار های مختلف از بازار متفاوت است.

با عنایت به موارد فوق، این مطالعه به دنبال بررسی تاثیر سیاستهای رقابتی اجرا شده در ایران بر عملکرد صنایع در ساختار های مختلف از بازار است. براین اساس در سعی شده است تاثیر سیاستهای رقابتی که به طور عمده قالب آزاد سازی تجاری و خصوصی سازی در ایران اجرا گردیده، بر رشد بهره وری صنایع با تاکید بر درجه رقابت بازار مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور در بخش بعدی مقاله، پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد و در بخش سوم با ارائه الگویی مناسب

تلاش می شود تاثیر سیاستهای آزاد سازی و خصوصی سازی بر رشد بهره وری با عنایت به ساختار بازار و سایر عوامل موثر بر بهره وری تبیین گردد. در بخش چهارم با معرفی داده ها، نتایج حاصل از برآورد مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت بخش جمع بندی و پیشنهادات در بخش پنجم ارائه می شود.

۲- پیشینه تحقیق

مروری بر مطالعات انجام شده در خصوص سیاستهای رقابتی نشان می دهد که ارزیابی سیاست مذکور در برخی از بررسی ها با تعریف شاخص هایی برای قانون رقابت و سیاست های ضد انحصاری صورت می گیرد که از آن جمله می توان به بررسی صورت گرفته توسط بوسکراسی و همکارانش^۲ (۲۰۱۱) اشاره نمود. اما همانطور که در قسمت قبلی بیان شد سیاستهای رقابتی علاوه بر قانون رقابت مشتمل بر سیاستهایی است که باعث گسترش رقابت و جلوگیری از رفتارهای غیررقابتی می شوند که از آن جمله می توان به سیاست خصوصی سازی و آزاد سازی تجاری اشاره نمود. از این رو در بسیاری از مطالعات در ارزیابی سیاستهای رقابتی، تاثیر سیاست های مذکور از جمله سیاست خصوصی سازی و آزاد سازی تجاری بر عملکرد صنایع مورد بررسی قرار می گیرد که در این خصوص نیز می توان به مطالعه نیکولتی و اسکارپتا^۳ (۲۰۰۳) و پانونیک^۴ (۲۰۰۲) اشاره نمود. نیکولتی و اسکارپتا در مطالعه خود دریافتند در بازارهایی که سیاستهای رقابتی (یعنی خصوصی سازی و آزاد سازی تجاری) در آنها به اجرا درآمده، رشد بهره وری بنگاه ها در آنها از طریق ارتقاء تکنولوژی بهبود یافته است.

با عنایت به مراتب فوق و همانطور که در بخش مقدمه نیز بیان شد از مهمترین سیاست های رقابتی اجرا شده در ایران واگذاری شرکتهای دولتی و آزادسازی تجاری بوده است که به همین دلیل در این بخش، بررسی مطالعات انجام شده در این دو حوزه بیشتر مورد تاکید قرار می گیرد.

در خصوص سیاست تجارت آزاد راس^۵ (۱۹۸۸) بیان می کند مهمترین منفعت این سیاست، افزایش رقابت بین بنگاههای خارجی با بنگاههای داخلی است. (راس، ۱۹۸۸: ۵۰۸). افزایش واردات در واقع نوعی اجازه ورود بنگاههای خارجی به بازار داخلی بوده که با اعمال فشار رقابتی سبب می شود بنگاههای غیر کارا از بازار خارج شده و بنگاههای

2. Buccirossi et al. (2011)

3. Nicoletti & Scarpetta (2003)

4. Pavcnick (2002)

5. Ross (1988)

۱. سیاست رقابتی و قانون رقابت؛ سازگاری و پیش شرط های اجرای موثر آنها؛ دفتر مطالعات اقتصادی معاونت برنامه ریزی وزارت بازرگانی، اسفند ماه ۱۳۸۵ ص ۳

بنگاه ها می تواند دستاورد های تئوریک تجارت آزاد را تغییر دهد.

بررسی مطالعات دیگر در این زمینه دلالت بر آن دارد که سیاست آزاد سازی تجاری به همراه سیاست های ضد انحصاری در داخل در اکثر موارد، تاثیر مثبت بر عملکرد بنگاه ها داشته است در این راستا وان و یجن برگن و ونبلز^۶ (۱۹۹۳) با بررسی صنایع مکزیکی به این نتیجه رسیدند که آزاد سازی تجاری به همراه سیاست ضد انحصاری طی دوره (۱۹۶۸-۱۹۸۸) رشد بهره وری را در صنایع مذکور سبب شده است (نیکل، ۱۹۹۶). همچنین مارکوس و جوماندریو^۷ (۲۰۰۴) برای صنایع اسپانیا نشان می دهند در شرایطی که بنگاهها در معرض رقابت ناشی از واردات می باشند، ورود و خروج آزاد موجب افزایش رشد بهره وری در آنها می شود. کریسکولو، هاسکل و مارتین^۸ (۲۰۰۴) نیز در مطالعه خود برای صنایع انگلستان دریافتند که با افزایش در واردات، ورود خالص بنگاهها موجب افزایش بهره وری می شود.

راماسوامی^۹ (۱۹۹۹) با تقسیم دوره زمانی مورد بررسی (۱۹۸۹-۱۹۷۴) به دو دوره (۱۹۸۱-۱۹۷۴) و (۱۹۸۹-۱۹۸۲) که در دوره اول سیاستهای حمایتی شدید (محدویت بیشتر واردات) بدون توجه به سیاستهای رقابتی و در دوره دوم سیاستهای حمایتی همراه با سیاستهای رقابتی اعمال شده، سیاستهای رقابتی و حمایتی در صنایع هندوستان را مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج حاصل از مطالعه وی نشان می دهد که نرخ حمایت تاثیر مستقیم و معنی داری بر رشد بهره وری ندارد و صرفاً با تحریک ورود بنگاهها در دوره دوم سبب رشد بهره وری می شود. مطالعه راماسوامی از این جهت که در اکثر کشورهای در حال توسعه سیاستهای حمایتی و رقابتی در دو دوره جدا از هم اجرا شده و این امر امکان بررسی دو سیاست مذکور را به طور جدا از هم فراهم می نماید، حائز اهمیت است.

با عنایت به نتایج مطالعات فوق به نظر می رسد تسهیل در ورود و خروج بنگاه ها و کاهش موانع در این خصوص به همراه سیاست آزاد سازی تجاری که در مجموع به سیاستهای رقابتی اشاره دارند، موجب رشد بهره وری بنگاه ها می شود البته در مطالعه ویجن برگن و ونبلز، مارکوس و جوماندریو و کریسکولو، هاسکل و مارتین نیز به قدرت بازاری بنگاه ها توجه

موجود در جهت ارتقاء کارایی و صرفه جویی در هزینه ها تلاش نمایند و به این ترتیب بهره وری در صنعت ارتقاء یابد.^۱ این مسئله توسط مکدونالد (۱۹۹۴) برای صنایع ایالات متحده با کد ISIC چهار رقمی طی دوره (۸۴-۱۹۷۲) مورد بررسی قرار گرفت. یافته های وی حاکی از آن است که فشار رقابتی ناشی از افزایش واردات صنایع متمرکز را در جهت کاهش هزینه ها ترغیب نموده، که این امر موجب افزایش تولید و ارتقاء بهره وری می شود.^۲ در این خصوص راس (۱۹۸۸) بیان می کند که در رقابت بنگاههای خارجی با بنگاههای داخلی، اگر بنگاههای داخلی پذیرنده قیمت باشند کاهش تعرفه، قیمت داخلی را کاهش داده و بنگاههای داخلی را به سمت عقلایی رفتار نمودن و کاهش هزینههای غیر ضروری که سبب ارتقاء بهره وری است، سوق خواهد داد. اما اگر بنگاههای داخلی در رقابت کامل نباشند با حرکت به سمت تجارت آزاد، لزوماً قیمت های داخلی با کاهش تعرفهها، کاهش نیافته و بهره وری افزایش نمی یابد، چرا که ممکن است بدلیل بی کشش بودن منحنی تقاضا، کاهش قیمت از سوی بنگاه داخلی، سود او را کاهش دهد که در این صورت، برای بنگاه داخلی بهتر خواهد بود نقطه اولیه را که به تولید کمتر و قیمت بالا می انجامد، انتخاب نماید. راس با ارائه الگویی نشان می دهد که احتمال وقوع چنین حالتی وقتی که ورود و خروج بنگاهها در صنعت به صورت آزاد می گیرد، زیاد است. به این ترتیب وی نتیجه می گیرد که همیشه حرکت به سمت آزادی تجارت و کاهش تعرفه، نمی تواند منجر به افزایش رقابت در داخل و ارتقاء بهره وری گردد. براساس نتایج راس در شرایط رقابت ناقص اثرگذاری سیاست تجارت آزاد بر رشد بهره وری مبهم خواهد بود. این در حالی است که نتایج مطالعاتی که به درجه رقابتی بازار توجهی نکرده اند، تاثیر مثبت آزاد سازی تجاری بر بهره وری را مورد تاکید قرار می دهند. در این خصوص هلمز و اشمیت^۳ (۲۰۱۰) و دی لاکر و گلدبرک^۴ (۲۰۱۴) نشان می دهند که کاهش تعرفه منجر به افزایش رقابت و رشد بهره وری صنایع می گردد. دی لاکر و همکارانش^۵ (۲۰۱۵) در مطالعه دیگر با بررسی نتایج مطالعات تجربی بیان می کنند آزاد سازی تجاری متوسط بهره وری را با تخصیص مجدد منابع به سمت بنگاه های کارا افزایش می دهد. البته آنها بیان می کنند که وجود انحصار و قدرت بازاری

6. Van Wijnbergen & Venables (1993)
7. Marcos & Jaumandreu (2004)
8. Criscuolo, Haskel & Martin (2004)
9. Ramaswamy (1999)

1. Marcos & Jaumandreu (2004)
2. Macdonald (1994)
3. Holmes & Schmitz (2010)
4. De Loecker & Goldberg (2014)
5. De Loecker & Van Biesebroeck (2015)

نشده است.^۱

علاوه بر آزادسازی تجاری تیروول^۲ (۱۹۹۱) متذکر می‌شود که بدون وجود سیاستهای ضد انحصاری، خصوصی سازی نیز منجر به تسلط بازارها بوسیله بنگاههای بخش خصوصی شده و افزایش کارایی را در پی نخواهد داشت. اما کوینگ و همکاران (۲۰۰۵)^۳ بیان می‌کنند این رویکرد نسبت به خصوصی سازی یک نگاه سنتی و ایستا بوده و اثرات بلندمدت خصوصی سازی را در نظر نمی‌گیرد. در این زمینه هارت و همکاران^۴ (۱۹۹۷) نشان می‌دهند که تغییر مالکیت از بخش دولتی به خصوصی انگیزه مالکین جدید را برای سرمایه گذاری در تکنولوژیهای جدید تقویت می‌کند. همچنین اشمیت^۵ (۱۹۹۶) نشان می‌دهد خصوصی سازی انگیزه صرفه جویی در مدیران را به خاطر محدودیت بودجه ای اعمال شده از سوی صاحبان جدید بنگاهها تقویت نموده و منجر به کارایی می‌گردد. در این خصوص یافته های کوینگ و همکارانش (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که تاثیر خصوصی سازی بر عملکرد بهتر بنگاهها در صنایع با درجه رقابت بالا بیشتر از صنایع با درجه رقابتی پایین می‌باشد. همچنین نتایج مطالعه صورت گرفته توسط کوپتا^۶ (۲۰۰۵) دلالت بر آن دارد که خصوصی سازی باعث افزایش سودآوری، بهره وری و سرمایه گذاری در صنایع هند شده است.

نتایج مطالعات فوق دلالت بر آن دارند که آزاد سازی تجاری و خصوصی سازی که از جمله سیاستهای رقابتی هستند در ساختارهای مختلف از بازار می‌تواند تاثیر متفاوتی بر عملکرد بنگاهها داشته باشد. علاوه بر سیاستهای رقابتی نتایج برخی مطالعات نیز حاکی از آن است که تاثیر برخی از متغیرها بر عملکرد بنگاهها تحت تاثیر درجه رقابتی بازار است در این خصوص ایون و همکارانش^۷ (۲۰۰۹) نشان می‌دهند که ورود و خروج بنگاهها در صنایع انحصاری موجب رشد بهره وری و در صنایع رقابتی باعث کاهش رشد بهره وری است. همچنین

۱. البته در این میان برخی بررسیها وجود دارد که نتایج آنها برخلاف یافته های مطالعات فوق می‌باشد که از آن جمله می‌توان به مطالعه انجام شده توسط حائد، ملو و هورتون (۱۹۹۶) اشاره نمود که تاثیر آزاد سازی تجاری بر عملکرد صنایع را در مراکش مورد بررسی قرار دادند. یافته های آنها نشان می‌دهد که بهره وری صنایع در مراکش تحت تاثیر واردات و درجه رقابت بازار نیست (سکت، ۲۰۰۹: ۱۴۸)

2. Tirol (1991)
3. Konings et al. (2005)
4. Hart et al. (1997)
5. Schmidt (1996)
6. Gupta (2005)
7. Aghion et al. (2009)

جایمویچ و فلئتوتو^۸ (۲۰۰۸) نشان می‌دهند که متغیر سیکل تجاری تاثیر مثبت بر رشد بهره وری بنگاهها در صنایع انحصاری و تاثیر منفی بر رشد بهره وری بنگاهها در صنایع رقابتی دارد. بر این اساس بسیاری از مطالعات از جمله بررسیهای صورت گرفته توسط نیکل^۹، سکت^{۱۰}، موتاهاشی و فاناکوشی^{۱۱} در بررسی عوامل موثر بر عملکرد بنگاهها در کنار درجه رقابتی بازار، از متغیرهای سیکل تجاری، مخارج تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی و واردات نیز به عنوان عوامل موثر بر عملکرد بنگاهها استفاده می‌نمایند. در خصوص سازو کارهای تاثیر درجه رقابتی بازار بر رشد بهره وری صورت گرفته توسط خداداد و همکاران (۱۳۹۱) برای صنایع ایران نشان می‌دهد ورود بنگاهها در صنایع انحصاری تاثیر مثبت و در صنایع رقابتی تاثیر منفی بر رشد بهره وری دارد. براساس نتایج مطالعه خداداد و همکاران می‌توان گفت اثرگذاری رفع موانع ورود (به عنوان یکی سیاستهای رقابتی) در ایران نیز تحت تاثیر درجه رقابتی بازار بوده و اعمال آن در صنایع انحصاری موجب رشد بهره وری است.

۳- معرفی الگو

با عنایت به مبانی نظری، تاثیر سیاست های رقابتی بر عملکرد بنگاهها متأثر از درجه رقابت بازارها می‌باشد. از طرفی همانطور که در قسمت قبلی بیان شد بررسی مطالعات انجام شده در خصوص تاثیر درجه رقابتی بازار بر عملکرد بنگاهها نشان می‌دهد که تاثیر سایر متغیرهای موثر بر عملکرد بنگاهها از قبیل سیکل تجاری، واردات و ورود و خروج بنگاهها به درجه رقابتی بستگی دارد. لذا برای معرفی الگوی مناسب جهت ارزیابی سیاستهای رقابتی، ابتدا از الگویی که به تاثیر درجه رقابت بازار بر عملکرد بنگاهها می‌پردازد، شروع می‌کنیم. برای این منظور، الگوی معرفی شده توسط نیکل^{۱۲} (۱۹۹۶) به دلیل منظور نمودن قدرت بازار در برآورد بهره وری، به عنوان الگوی پایه انتخاب می‌شود. الگوی مذکور با شکل تبعی تابع کاپ داگلاس که در آن متغیرهای موثر بر بهره وری بنگاهها معرفی شده، به شرح ذیل می‌باشد.

8. Jaimovich & Floetotto (2008)
9. Nickell (1996)
10. Sekkat (2009)
11. Funakoshi & Motohashi (2009)
12. Nickell (1996)

مدل بررسی شده توسط مکدونالد (۱۹۹۴) می باشد که بیان می کند واردات در صنایع انحصاری بر رشد بهره وری تاثیر مثبت دارد. همچنین متغیر تقاطعی ورود و شاخص لرنر براساس استدلال ارائه شده توسط ایون و همکارانش (۲۰۰۹) می باشد که نشان می دهند ورود در بازار های انحصاری موجب گسترش رقابت تکنولوژیک و در نهایت ارتقاء رشد بهره وری می گردد. متغیر تقاطعی مخارج تحقیق و توسعه و شاخص لرنر براساس نظریه شومپیتر می باشد، که معتقد است بنگاههای دارای موقعیت انحصاری با سرمایه گذاری در واحد های تحقیق و توسعه به ایجاد نوآوری و رشد بهره وری اقدام می نمایند و در نهایت متغیر تقاطعی سیکل های جاری و شاخص لرنر براساس نتایج مطالعه فلتوتو و جایمویچ (۲۰۰۸) بوده، که تاثیر مثبت دوران رونق اقتصادی بر رشد بهره وری را در ارتباط با درجه رقابت بازار می دانند.

در نهایت با معرفی متغیرهای سیاستی در الگو، تاثیر سیاست های تجاری و خصوصی سازی بر بهره وری و عملکرد بنگاهها بررسی می شود و در این خصوص متغیر مربوط به آزادسازی تجاری در ایران (d_2) و خصوصی سازی (tp/k)، اثر تقاطعی آنها با ساختار بازار و سایر متغیر ها، در مدل معرفی می شوند. لازم به ذکر است که تعدیل بخشی از تغییرات بهره وری ناشی از سرمایه گذاری ممکن است در سال های بعد صورت بگیرد. به همین دلیل الگو به صورت دینامیک در نظر گرفته می شود.

با عنایت به توضیحات فوق الگوی نهایی که در این مطالعه مورد بررسی قرار می گیرد به شرح ذیل خواهد بود.

(۳)

$$\begin{aligned} add_{it} = & \beta_i + \beta_t + \lambda add_{it-1} + (1-\lambda)\alpha L_{it} + (1-\lambda)(1-\alpha_i)k_{it} \\ & + \alpha_4 gap + \alpha_3 lr + t(\alpha_5 lr + \alpha_7 sk + \alpha_7 sk * d_2 + \alpha_8 rd + \\ & \alpha_{11} lr * rd + \alpha_8 rd * d_2 + \alpha_{11} lr * rd * d_2 + \alpha_4 lr * gap + \alpha_4 lr * \\ & gap * d_2 + \alpha_6 im + \alpha_{10} lr * im + \alpha_6 im * d_2 + \alpha_{10} lr * im * d_2 \\ & + \alpha_9 e + \alpha_{12} lr * e + \alpha_9 e * d_2 + \alpha_{12} lr * e * d_2 + \alpha_{13} rp / k + \\ & \alpha_{14} rp / k * lr) + \alpha_{13} d_2 + v_{it} \end{aligned}$$

به منظور حذف اریب و افزایش کارایی، در برآورد الگو از روش گشتاور تعمیم یافته (SYSGMM) استفاده شده است. بکارگیری این روش موجب می شود بسیاری از متغیرها از جمله متغیر ساختار بازار و عوامل تولید که هم بر بهره وری موثر و هم تحت تاثیر آن است به صورت درونزا در مدل ارائه و مورد بررسی قرار گیرد.

(۱)

$$\begin{aligned} add_{it} = & \beta_i + \beta_t + \lambda add_{it-1} + (1-\lambda)\alpha L_{it} + (1-\lambda)(1-\alpha_i)k_{it} \\ & + \alpha_2 gap_{it} + \alpha_3 lr_{it} + t(\alpha_4 lr_{it} + \alpha_5 sk_{it} + \alpha_6 rd_{it} + \alpha_7 lr_{it} * rd_{it} \\ & + \alpha_8 lr_{it} * gap_{it} + \alpha_9 im_{it} + \alpha_{10} lr_{it} * im_{it} + \alpha_{11} e_{it} + \alpha_{12} lr_{it} * e_{it}) + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

در الگوی فوق im ، rd ، sk ، lr ، gap ، K ، L ، add ، e ، به ترتیب به لگاریتم ارزش افزوده، لگاریتم نیروی کار، لگاریتم سرمایه، سیکل تجاری، شاخص لرنر، سرمایه انسانی، هزینه انجام شده در تحقیق و توسعه، واردات و ورود بنگاهها در صنایع مختلف اشاره دارد. با عنایت به اینکه متغیر ها به شکل لگاریتمی تعریف شده اند، چنانچه عبارات مربوط به عوامل تولید در سمت راست تابع تولید از ارزش افزوده (متغیر وابسته) کسر شود، $(add - \alpha L - (1 - \alpha)k)$

مقدار حاصله، پسماند سولو (به عنوان بهره وری) خواهد بود که در برخی مطالعات پس از برآورد این پسماند، در معادله ای جداگانه به تاثیر عوامل تعیین کننده آن پرداخته می شود. اما بررسی عوامل موثر بر بهره وری در معادله جداگانه، ضرایب برآورد شده برای متغیرهای تعیین کننده بهره وری را دچار تورش می کند چرا که ممکن است به دلیل وجود همبستگی بین تغییرات عوامل تولید و عوامل موثر بر بهره وری، قسمتی از تغییرات تولید به دلیل تغییرات بهره وری، به اشتباه توسط تغییرات عامل تولید توضیح داده شود. ارائه همزمان عوامل تولید و عوامل موثر بر بهره وری در سمت راست تابع تولید از وقوع این مسئله جلوگیری می نماید که این رویکرد در بسیاری از مطالعات از جمله مطالعه نیکل (۱۹۹۶) و فاناکوشی و موتاهاشی (۲۰۰۹) که به ترتیب برای بررسی عملکرد صنایع انگلستان و ژاپن بوده، بکار گرفته شده است.

در ادامه به منظور بررسی ساز و کار تاثیر گذاری درجه رقابت بازار بر بهره وری از اثر تقاطعی شاخص لرنر با متغیر های موثر بر بهره وری استفاده شد. با معرفی متغیرهای مربوط به اثرات تقاطعی، الگوی (۱) به صورت ذیل خواهد بود.

(۲)

$$\begin{aligned} add_{it} = & \beta_i + \beta_t + \lambda add_{it-1} + (1-\lambda)\alpha L_{it} + (1-\lambda)(1-\alpha_i)k_{it} \\ & + \alpha_2 gap_{it} + \alpha_3 lr_{it} + t(\alpha_4 lr_{it} + \alpha_5 sk_{it} + \alpha_6 rd_{it} + \alpha_7 lr_{it} * rd_{it} \\ & + \alpha_8 lr_{it} * gap_{it} + \alpha_9 im_{it} + \alpha_{10} lr_{it} * im_{it} + \alpha_{11} e_{it} + \alpha_{12} lr_{it} * e_{it}) + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

شایان ذکر است اثرات تقاطعی در الگوی (۲) به استناد استدلال های انجام شده در مطالعات مختلف معرفی شده است. به طوریکه متغیر تقاطعی واردات و ساختار بازار براساس

است. براین اساس در برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴) که نرخ حقوق گمرکی کالاهای وارداتی بین صفر تا ۲۵ درصد و نرخ سود بازرگانی بین صفر تا ۲۵۰ درصد بود به ترتیب به ۴ درصد و بین ۰ تا ۱۱۶ درصد در برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹) کاهش یافت. همانطور که از جدول (۱) قابل ملاحظه است نرخ متوسط ساده تعرفه‌ها در سالهای قبل از ۱۳۸۱، بیش از ۶۰ درصد بود. در سال‌های بعد از سال ۱۳۸۱، به کمتر از ۳۰ درصد رسیده است.

جدول ۱. میانگین نرخ تعرفه ساده در سالهای مورد بررسی (درصد)

| سال | میانگین ساده نرخ تعرفه برای بخش صنعت | میانگین ساده نرخ تعرفه برای کل اقتصاد |
|------|--------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱۳۷۶ | ۳۸/۴ | ۴۰ |
| ۱۳۷۸ | ۶۰ | ۶۰/۷ |
| ۱۳۸۰ | ۹۲/۳ | ۹۱/۸ |
| ۱۳۸۱ | ۲۷ | ۲۶/۹ |
| ۱۳۸۲ | ۳۰/۶ | ۳۰/۸ |
| ۱۳۸۳ | ۲۱/۲۷ | ۲۲/۷ |
| ۱۳۸۴ | ۲۱/۸ | ۲۲/۹ |
| ۱۳۸۵ | ۲۴/۹ | ۲۶/۵ |

ماخذ: مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه

علاوه بر کاهش تعرفه‌ها بررسی محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای نیز در ایران طی سالهای برنامه سوم نشان می‌دهد که این موانع تجاری طی سالهای برنامه سوم به سرعت کاهش یافته است براساس گزارش معاونت بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی، تعداد مجوزها برای واردات از ۳۵۳۰ در سال ۱۳۷۸ به کمتر از ۱۰۰ مجوز در سال ۱۳۸۲ رسید. (جدول ۲)

جدول ۲. تعداد مجوزها برای واردات کالا از سوی وزارتخانه‌های مختلف

| نوع مجوز واردات | ۱۳۷۸ | ۱۳۷۹ | ۱۳۸۰ | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۲ | ۱۳۸۳ |
|---------------------------------------|------|------|------|------|------|------|
| غیر مجاز | ۱۷۷ | ۱۴۵ | ۱۴۵ | ۱۴۵ | ۹۵ | * |
| ورود با مجوز وزارتخانه صنایع و معادن | ۳۲۰۸ | ۲۳۴۲ | ۱۱۱ | ۳۰ | - | - |
| ورود با مجوز وزارتخانه جهاد و کشاورزی | ۱۴۵ | ۲۶۲ | ۲۵۳ | ۱۲ | - | - |

* فقط ممنوعیت شرعی و قانونی اعمال می‌شود

ماخذ: باستانی و نجفیان (۱۳۸۸)

۴- تحلیل داده‌ها و اندازه‌گیری متغیرهای سیاستی

به منظور تحلیل تاثیر سیاست‌های رقابتی بر عملکرد صنایع از اطلاعات کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر طی دوره (۸۶-۱۳۷۴) به تفکیک طبقه‌بندی ISIC در سطح کدهای ۴ رقمی استفاده شده است.

ارزش افزوده، نیروی کار و سرمایه: در این مطالعه اطلاعات مربوط به ارزش افزوده صنایع (add) که بوسیله شاخص قیمت تولیدکننده محصولات صنعتی تعدیل شده و تعداد نیروی کار (l) و میزان سرمایه کارگاه‌های صنعتی (k) از آمار کارگاه‌های صنعتی استخراج شده است. به منظور برآورد موجودی سرمایه، ابتدا با استفاده از داده‌های سرمایه‌گذاری در سالهای مختلف، رابطه زیر که در آن I سرمایه‌گذاری و t متغیر روند می‌باشد، برآورد گردید.

$$\log I_t = \beta_0 + \beta_1 t + \mu_t$$

سپس با گرفتن آنتی لگاریتم عرض از مبدا برآورد شده، سرمایه‌گذاری در سال پایه بدست آمد. مقدار موجودی سرمایه در سال پایه از تقسیم سرمایه‌گذاری در سال پایه بر میزان رشد سرمایه‌گذاری (ضریب متغیر روند) حاصل شد. سپس موجودی سرمایه در سال‌های بعد از رابطه زیر محاسبه گردید که در آن D میزان استهلاک می‌باشد.

$$K_T = K_0 + \sum_{t=1}^T (I_t - D)$$

متغیر سیاست تجاری: رویکرد غالب در سیاستهای تجاری ایران تا اواخر دهه ۷۰ جایگزینی واردات و حمایت بالا از صنایع داخلی بود و توسعه صنعتی با رویکرد برونگرا از اواخر دهه ۷۰ با جدیت بیشتری مدنظر قرار گرفت به طوری که در سال ۱۳۸۰ موانع غیر تعرفه‌ای، حذف و موانع تعرفه‌ای واردات به شدت کاهش یافت.

براساس گزارشهای ارائه شده^۱ توسط موسسه پژوهشهای بازرگانی رویکرد سیاستهای تجاری در ایران طی برنامه اول و دوم توسعه بعد از انقلاب (۱۳۶۹-۱۳۷۸) رویکرد جایگزینی واردات بوده است. اما در برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳) و سپس در برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸) توسعه راهبرد برونگرا با جدیت مدنظر قرار گرفته و سیاست جهش صادراتی به عنوان یکی از سیاست‌های کلی با شعار "تولید برای صادرات" مطرح شده

۱. باستانی، علیرضا و نجفیان، فرزانه (۱۳۸۸)، راهبرد های توسعه تجاری؛ مبانی نظری و تجربه ایران، معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی

ترتیب که ابتدا خط روند برای ارزش تولیدات هر یک از زیرگروه‌های صنعتی طی دوره مورد بررسی برآورد شده و مابه التفاوت میزان برآورد و ارزش واقعی به عنوان شکاف محصول ارائه گردید. این شکاف در دوران رونق مثبت و در دوره رکود منفی می‌باشد.

تحقیق و توسعه: به منظور معرفی تاثیر تحقیق و توسعه بر رشد بهره وری از "مخارج تحقیق و توسعه به ارزش افزوده" (rd) استفاده شده است.

سرمایه انسانی: در این مطالعه از "نسبت کارگران متخصص و ماهر به کل شاغلین در هر کارگاه" (sk) به منظور تحلیل تأثیرگذاری سرمایه انسانی بر رشد بهره‌وری استفاده شد.

۵- بررسی نتایج حاصل از برآورد مدل

به منظور ارزیابی اثرگذاری سیاستهای رقابتی، مدل معرفی شده در بخش قبلی در شش سناریو مطابق با جدول (۳) برآورد گردید. رویکرد بررسی به این ترتیب است که در سناریو اول بدون معرفی متغیر سیاستی، عوامل موثر بر بهره وری مورد بررسی قرار می‌گیرند. در ادامه با افزودن متغیر سیاستی، ابتدا تاثیر متغیر سیاستی بر رشد بهره وری صنایع مورد تحلیل قرار می‌گیرد. سپس با افزودن اثر تقاطعی متغیر سیاستی با درجه رقابت بازار، تاثیر متغیر سیاستی بر رشد بهره وری در ساختارهای مختلف از بازار مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این ترتیب سناریوی اول بدون در نظر گرفتن متغیر سیاستی، سه سناریوی بعدی، با لحاظ متغیر سیاست آزادسازی تجاری و دو سناریوی آخر مربوط به بررسی تاثیر سیاست خصوصی سازی است. روشن است که تفسیر نتایج هر سناریو براساس مقایسه نتایج حاصل از هر سناریو با سناریو های قبلی صورت می‌گیرد.

سناریو ۱ بدون در نظر گرفتن متغیرهای آزادسازی تجاری و خصوصی سازی عوامل موثر بر بهره وری را در ارتباط با ساختار بازار مورد بررسی قرار می‌دهد. ضریب سودآوری صنایع ($Ir*t$) در این الگو برابر (0.02) می‌باشد که مثبت و معنی دار بوده و نشان می‌دهد قدرت انحصاری به طور مستقیم سبب رشد بهره وری می‌شود. همچنین ضرایب اثرات تقاطعی متغیر سودآوری با سیکل های تجاری ($gap*Ir*t$)، ورود خالص بنگاهها ($(-1)*Ir*t$) و مخارج تحقیق و توسعه ($rd(-)*Ir*t$) (2) به ترتیب برابر با (0.028)، (0.0001)، (0.014) می‌باشد که حاکی از تاثیر مثبت متغیرهای مذکور بر رشد بهره

علاوه بر آزاد سازی تجاری، تاکید بر واگذاری شرکتهای دولتی، تصویب قانون جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و قوانین ضد انحصار، اصلاح قوانین مالیاتی که رویکرد سیاست های رقابتی را دنبال می‌نمودند، پس از سال ۱۳۸۰ مورد توجه قرار گرفت. براین اساس دوره بررسی در این مطالعه (۸۶-۱۳۷۴) را می‌توان به دو دوره (۸۰-۱۳۷۴) و (۸۶-۱۳۸۱) تقسیم نمود^۱ که دوره اول در ارتباط با سیاست‌های حمایتی شدید و موانع تجاری و دوره دوم همراه با کاهش موانع تعرفه ای و غیرتعرفه‌ای تجاری می‌باشد. لذا متغیر مجازی d_2 به منظور ارزیابی سیاستهای تجاری که دارای ارزش صفر در سالهای قبل از ۱۳۸۱ و دارای ارزش یک در سالهای بعد از ۱۳۸۱ است مورد استفاده قرار می‌گیرد.

متغیر سیاست خصوصی سازی: همچنین به منظور ارزیابی تاثیر خصوصی سازی بر عملکرد صنایع از نسبت سهام واگذار شده به بخش خصوصی به میزان سرمایه هر یک از صنایع (rp/k) استفاده گردید.

درجه رقابتی بازار: برای ارزیابی درجه رقابتی بازار می‌توان از شاخص لرنر (Lr) و شاخص تمرکز هر فیندال هیرشمن یا سهم چند بنگاه بزرگ استفاده کرد. اما از آنجا که این امکان محتمل است که بازاری با تعداد کمتری از بنگاهها، بدلیل وجود جنگ قیمتی رقابتی باشد (ماهمن و تنرا^۲ (۲۰۰۸)) به پیروی از نیکل (۱۹۹۶) و ایون (۲۰۰۹) از نسبت سود به دریافتی به عنوان شاخص لرنر و قدرت انحصاری استفاده شد.

شدت واردات: شدت واردات (im) در این مطالعه بر حسب نسبت واردات به مجموع ارزش تولید محصول داخل و واردات محاسبه شده که در آن واردات با استفاده از شاخص قیمت کالاهای وارداتی و ارزش محصول به وسیله شاخص قیمت محصولات صنعتی به ارزش واقعی (سال پایه ۱۳۷۶) تعدیل شده اند.

ورود و خروج بنگاه: برای اندازه گیری ورود بنگاهها از متغیر خالص ورود (e) در این مطالعه استفاده شد. متغیر خالص ورود برابر با تعداد بنگاههای تازه وارد منهای تعداد بنگاههای خارج شده از صنعت می‌باشد.

سیکل تجاری: به منظور اندازه‌گیری سیکل تجاری (gap) از روش ارائه شده توسط سکات (۲۰۰۹) استفاده شد به این

۱. بررسی سیاستهای رقابتی به این صورت (یعنی تفکیک دوره مطالعه به دو قسمت)، برگرفته از رویکرد مطالعه راماسوامی (۱۹۹۹) برای صنایع هندوستان می‌باشد

وری در صنایع انحصاری است.

در سناریو ۲ متغیر مربوط به دوره آزادسازی تجاری ($d2$) معرفی شده است. ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با (0.47) می باشد، که نشان می دهد در دوره اجرای سیاستهای آزاد سازی، سطح بهره وری صنایع نسبت به دوره سیاستهای حمایتی بالا می باشد. همچنین در الگوی ۲ متغیر آزادسازی به صورت تقاطعی با متغیرهای واردات ($im*Ir*t*d2$) و ورود بنگاهها ($(e(-1)*t*d2)$) و $(e(-1)*Ir*t*d2)$ ارائه شده است. نتایج برآورد سناریو ۲ نشان می دهد که اثرگذاری واردات و ورود بنگاهها بر رشد بهره وری در ارتباط با ساختار بازار در دوره های مختلف سیاستی از هم متفاوت می باشد. به طوریکه قبل از سال ۱۳۸۱ یعنی دوره ای که سیاستهای حمایتی با شدت بیشتری دنبال شده است (دوره اول) ضریب متغیر تقاطعی ($im*Ir*t$) برابر (0.38) می باشد که بیان می کند در صنایع انحصاری واردات بر رشد بهره وری تاثیر مثبتی داشته است به عبارتی در دوره حمایت بدلیل اینکه بنگاههای انحصاری تا حد زیادی از تهدید رقباتی خارجی در امان هستند، افزایش واردات در این دوره سبب می شود بنگاههای انحصاری با کاهش قیمت به رقابت با بنگاههای خارجی پرداخته و از این طریق بهره وری خود را ارتقاء دهند. این در حالی است که ضریب متغیر تقاطعی ($im*Ir*t*d2$) برای دوره آزاد سازی برابر (-0.39) می باشد، که نشان می دهد در دوره آزاد سازی، با افزایش واردات، رشد بهره وری در صنایع انحصاری کاهش یافته است در واقع با افزایش واردات طی دوره آزاد سازی تجاری، بنگاههای انحصاری به منظور حفظ سهم بازار داخلی مجبور به کاهش زیاد قیمت ها هستند که این امر در نهایت سبب از دست رفتن سهم بنگاه های داخلی از بازار شده، که نتیجه آن، کاهش بهره وری است.

همچنین در دوره اجرای سیاستهای حمایتی، ضریب متغیر ورود بنگاهها در صنایع انحصاری ($(e(-1)*Ir*t)$) برابر با (-0.004) است که با عنایت به ضریب متغیر ($(e(-1)*t)$) بیانگر تاثیر منفی ورود خالص بر رشد بهره وری در صنایع انحصاری است. در واقع سیاستهای حمایتی محیطی را به ویژه در صنایع انحصاری بوجود می آورد که در آن بنگاههای دارای کارایی پایین در بازار باقی مانده و حتی بنگاههای ناکارا برای ورود به بازار تشویق می شوند که در نهایت به افزایش ورود خالص و کاهش در رشد بهره وری می انجامد. اما در دوره آزاد سازی تجاری، ضریب متغیر تقاطعی ورود بنگاهها در صنایع

انحصاری ($(e(-1)*Ir*t*d2)$) برابر (0.0038) می باشد که نشان می دهد طی دوره آزاد سازی تجاری ورود بنگاهها در صنایع انحصاری، بر رشد بهره وری تاثیر مثبتی داشته است. به عبارتی در طی دوره آزادسازی، بدلیل تغییر شرایط محیطی فعالیت و وجود فشار رقباتی خارجی، بنگاههای غیر کارا از بازار خارج و بنگاههای کارا توانایی ورود به بازار را داشته اند لذا با افزایش ورود خالص، بهره وری در این صنایع بالا رفته است.

براساس نتایج فوق، به منظور افزایش در رشد بهره وری، سیاستهای تعرفه ای بایستی با توجه به میزان رقابت در بازارها اعمال شود. به عنوان مثال در دوره اول برای صنایع انحصاری، سیاستهای حمایتی شدیدی برقرار بوده است و همین امر سبب شده بسیاری از بنگاههای غیر کارا در صنایع انحصاری فعالیت نمایند. در صورتیکه لازم بود با افزایش واردات (کاهش تعرفه)، میزان حمایت در این صنایع کاهش می یافت. از طرفی کاهش تعرفه و افزایش واردات بیش از اندازه در دوره دوم برای صنایع انحصاری، به کاهش رشد بهره وری در این صنایع منجر شده، که نشان می دهد کاهش کمتر تعرفه (به جای کاهش بیشتر آن) در دوره آزاد سازی، می توانست به افزایش بهره وری در این صنایع کمک نماید. همچنین در دوره حمایت با کاهش واردات، رشد بهره وری در صنایع رقابتی می توانست بیشتر شود که به معنی عدم حمایت کافی از صنایع رقابتی در آن دوره است.

در سناریو سوم همانطور که ملاحظه می شود سیکل های تجاری در ارتباط با صنایع انحصاری معرفی شده اند. ضریب متغیر تقاطعی سیکل های تجاری و قدرت بازار که بوسیله متغیر ($gap*Ir*t$) نشان داده می شود برابر با (0.2) می باشد و نشان می دهد دوران رونق اقتصادی تاثیر مثبتی بر رشد بهره وری در صنایع انحصاری دارد که مطابق با انتظارات تئوریک می باشد. همچنین ضریب متغیر ($gap*Ir*t*d2$) در سناریو سوم که برابر با (0.12) می باشد، حاکی از آن است میزان اثرگذاری سیکل های تجاری در دوره آزاد سازی بیشتر از دوره حمایت است که می تواند به دلیل ورود بنگاههای کارا در صنایع انحصاری طی دوره رونق اقتصادی مربوط به دوره آزادسازی باشد و نتایج سناریو ۳ این موضوع را مورد تأیید قرار می دهد (با وارد نمودن سیکل های تجاری در سناریو ۳ به تفکیک دو دوره، معنی داری متغیر ورود بنگاهها کاهش می یابد).

در سناریو (۴) اثرات تقاطعی سرمایه انسانی و مخارج تحقیق و توسعه بر بهره وری مورد بررسی قرار گرفته است.

$d2$ و $(1) * Ir * t * d2$ نسبت به سناریو ۲ است، که نشان می دهد بیشتر بنگاههای وارد شده از سرمایه انسانی بالا برخوردار بوده و مجهز به واحدهای تحقیق و توسعه هستند. همچنین کاهش ضریب و معنی داری متغیر دوره آزادسازی ($d2$) در سناریو ۴ نشان می دهد که افزایش بهره وری در دوره آزادسازی تجاری به واسطه استفاده بیشتر از سرمایه انسانی و انجام فعالیت های تحقیق و توسعه بوده، که این موضوع نمی تواند در بررسی اثرات سیاستهای آزادسازی تجاری صرفا با تاکید بر اثرات متغیر واردات، قابل مشاهده باشد. (همانند سناریو ۲).

مقایسه ضرایب متغیرهای $(sk(-1) * t * d2)$ و $(sk(-1) * t)$ که به ترتیب برابر با (0.013) و (0.005) نشان می دهد که اثر گذاری سرمایه انسانی در دوره دوم بر رشد بهره وری بیشتر از دوره اول می باشد. همچنین آماره t متناظر با متغیرهای $rd(-)$ و $(2) * Ir * t * d2$ در الگوی ۴ نشان می دهد که در دوره اول، مخارج تحقیق و توسعه در صنایع سودآور بر رشد بهره وری موثر نبوده، لیکن طی دوره آزادسازی سودآوری صنایع موجب افزایش اثرگذاری مثبت این مخارج بر رشد بهره وری گردیده است. نکته حائز اهمیت در الگوی (۴) کاهش معنی داری و ضرایب متغیرهای مربوط به ورود بنگاهها ($e(-)$)

جدول ۳. نتایج حاصل از برآورد مدل در شش سناریو

| متغیرها | سناریو ۱ | | سناریو ۲ | | سناریو ۳ | | سناریو ۴ | | سناریو ۵ | | سناریو ۶ | |
|----------------|----------|---------|----------|---------|----------|---------|----------|---------|----------|---------|----------|---------|
| | ضرایب | آماره t | ضرایب | آماره t | ضرایب | آماره t | ضرایب | آماره t | ضرایب | آماره t | ضرایب | آماره t |
| add(-1) | ۰,۳۳ | ۱۲۱ | ۰,۳۱ | ۹۳,۴ | ۰,۳ | ۸۲,۲ | ۰,۲۹ | ۸۹,۳ | ۰,۳۳ | ۱۰۳ | ۰,۳۳ | ۹۳ |
| l | ۰,۶۸ | ۱۱۱ | ۰,۶۱ | ۷۶,۸ | ۰,۵۹ | ۶۹,۶ | ۰,۶۴ | ۷۴,۵ | ۰,۶۸ | ۱۰۷ | ۰,۶۸ | ۹۵,۱ |
| k | ۰,۱۷ | ۶۲ | ۰,۱۳ | ۲۹ | ۰,۱۳ | ۲۸,۴ | ۰,۱۱ | ۲۰,۴ | ۰,۱۷ | ۶۶,۲ | ۰,۱۷ | ۵۰,۹ |
| gap | ۰,۳۴ | ۱۰۷ | ۰,۲۷ | ۵۶,۳ | ۰,۳۸ | ۴۹,۵ | ۰,۳۶ | ۵۹,۸ | ۰,۳۴ | ۸۶,۹ | ۰,۳۴ | ۸۹,۶ |
| lr(-2) | ۰,۰۳- | ۳۲,۱- | ۰,۰۲- | ۱۲,۸- | ۰,۰۲- | ۹,۸- | ۰,۰۱- | ۶,۷- | ۰,۰۳- | ۲۸,۴- | ۰,۰۳- | ۲۷- |
| lr*t | ۰,۰۲ | ۱۵,۶ | ۰,۰۱ | ۱۳,۱ | ۰,۰۱ | ۱۲,۳ | ۰,۰۲ | ۱۴,۵ | ۰,۰۱ | ۱۴,۱ | ۰,۰۱ | ۱۳,۳ |
| sk(-1) | ۰,۰۱ | ۱۹,۸ | ۰,۰۱ | ۱۵,۷ | ۰,۰۱ | ۱۴ | ۰ | ۴,۲ | ۰,۰۱ | ۱۷,۵ | ۰,۰۱ | ۱۵,۶ |
| sk(-1)*t*d2 | | | | | | | ۰,۰۲ | ۱۱,۲ | | | | |
| rd(-2)*t | ۰ | ۰,۹- | ۰ | ۰ | ۰ | ۰,۵ | ۰ | ۳,۷ | ۰ | ۰,۲۱- | ۰ | ۰ |
| rd(-2)*lr*t | ۰,۰۱ | ۱۳,۸ | ۰,۰۱ | ۷,۲ | ۰,۰۱ | ۶,۶ | ۰ | ۰,۵ | ۰,۰۱ | ۹,۵۲ | ۰,۰۱ | ۸,۳ |
| rd(-2)*t*d2 | | | | | | | ۰- | ۴,۳- | | | | |
| rd(-2)*lr*t*d2 | | | | | | | ۰,۰۱ | ۴,۲ | | | | |
| gap*lr*t | ۰,۰۳ | ۱۴,۵ | ۰,۰۳ | ۱۳,۷ | ۰,۰۲ | ۴,۸ | ۰,۰۴ | ۱۰,۸ | ۰,۰۳ | ۱۳,۹ | ۰,۰۲ | ۱۱,۶ |
| gap*lr*t*d2 | | | | | ۰,۰۱ | ۲,۸ | | | | | | |
| im*t | ۰ | ۲ | ۰,۰۱- | ۵- | ۰,۰۱- | ۳,۲- | ۰,۰۱- | ۳,۲- | ۰ | ۱,۵۵ | ۰ | ۱,۳ |
| im*lr*t | ۰ | ۲,۵ | ۰,۰۴ | ۱۸,۴ | ۰,۰۳ | ۱۴,۵ | ۰,۰۴ | ۱۱,۹ | ۰ | ۲,۱ | ۰ | ۱,۹ |
| im*t*d2 | | | ۰,۰۱ | ۴,۹ | ۰ | ۳,۵ | ۰ | ۲,۹ | | | | |
| im*lr*t*d2 | | | ۰,۰۴- | ۲۳,۵- | ۰,۰۴- | ۲۰,۶- | ۰,۰۴- | ۱۷,۸- | | | | |
| e(-1)*t | ۰ | ۸,۳- | ۰ | ۲,۸ | ۰ | ۰,۸ | ۰ | ۰,۳ | ۰ | ۷,۹۶- | ۰ | ۷,۶- |
| e(-1)*lr*t | ۰ | ۲,۲ | ۰ | ۲,۷- | ۰ | ۰,۶- | ۰ | ۰,۱- | ۰ | ۲,۵ | ۰ | ۱,۹ |
| e(-1)*t*d2 | | | ۰ | ۳,۶- | ۰ | ۱,۵- | ۰ | ۰,۸- | | | | |
| e(-1)*lr*t*d2 | | | ۰ | ۲,۶ | ۰ | ۰,۷ | ۰ | ۰,۲- | | | | |
| d2 | | | ۰,۰۵ | ۱۸,۲ | ۰,۰۵ | ۱۶,۷ | ۰,۰۱- | ۱,۵- | | | | |
| rp/k*t | | | | | | | | | ۰ | ۵,۶۱ | ۰ | ۲- |
| rp/k*lr*t | | | | | | | | | | | ۰ | ۵,۴ |
| Sargan- Test | %۱۷ | | %۳۱ | | %۱۴ | | %۱۵ | | %۲۱ | | %۱۹ | |
| m1 | ۱۷- | | ۱۷- | | ۱۸- | | ۱۷- | | ۱۷- | | ۱۷- | |
| m2 | ۱,۴۲ | | ۰,۹ | | ۰,۹۴ | | ۰,۳۵ | | ۱,۵ | | ۱,۳ | |

ماخذ: یافته های تحقیق

سود آور بودن صنایع در دوره آزادسازی به ویژه طی دوره رونق اقتصادی از طریق ترغیب بنگاههای کارا به ورود (و یا سرمایه گذاری) که همراه با افزایش سرمایه انسانی و فعالیت های تحقیق و توسعه است، به رشد بهره وری در صنایع ایران کمک نموده است. با این حال تاثیر منفی واردات بر رشد بهره وری در طی دوره آزادسازی بیانگر کاهش سهم بنگاههای داخلی از بازار بوده و لزوم اصلاح و بازنگری در سیاست های تعرفه ای با توجه به درجه رقابت بازار و قدرت رقابت پذیری بنگاهها را به منظور عملکرد بهتر صنایع مورد تاکید قرار می دهد. همچنین براساس نتایج حاصل از برآورد سناریوها میزان واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی موجب ارتقاء بهره وری در صنایع انحصاری شده است که بر تاثیر سود آوری در تقویت انگیزه مالکین جدید برای نوآوری و سرمایه گذاری در تکنولوژیهای مدرن دلالت دارد و به منظور تحقق اهداف سیاست خصوصی سازی، سود آور بودن بنگاههای صنایع را قبل از واگذاری آنها مورد تاکید قرار می دهد.

براساس نتایج این مطالعه، خصوصی سازی در صنایع سودآور به افزایش رشد بهره وری می انجامد. همچنین آزادسازی تجاری منجر به تاثیر مثبت سودآوری بر بهره وری از طریق مخارج تحقیق و توسعه، جذب سرمایه انسانی و انتقال تکنولوژی می گردد. لذا براساس یافته های این تحقیق تاکید بر سیاستهای رقابتی (آزاد سازی تجاری و خصوصی سازی) در صنایع با درجه رقابتی پایین و سودآور، موجب ارتقاء بهره وری در صنایع مذکور می شود.

علاوه بر موارد فوق همانطور که ملاحظه گردید سودآوری بدون در نظر گرفتن متغیرهای سیاستی در بخش تولیدات صنعتی از طریق فراهم نمودن منابع و ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاری، رقابت در انتقال تکنولوژی، پرداختن به فعالیتهای تحقیق و توسعه، بکارگیری سرمایه انسانی بیشتر، موجب رشد بهره وری است. این مهم نگاه برنامه ریزان و سیاستگذاران به گسترش رقابت در بخش تولید به مفهوم کاهش سود و برابری هزینه نهایی با قیمت را به چالش می کشاند. به نظر می رسد تاکید بر کاهش سود در بخش تولید، با توجه به سود بالا در بازارهای مالی و نوسانات زیاد اقتصادی کشور که تحت تاثیر نقدینگی خارج از بخش تولیدی است، با اهداف ارتقاء تولید ملی، اشتغال و سرمایه گذاری سازگار نیست. بر این اساس و با ملاحظه این نکته که سودآوری بالا و مطمئن نیز برای تولید کنندگان (همانند دوره حمایت) بدون

در سناریو (۵) متغیر مربوط به سیاست خصوصی سازی معرفی شده است و چنانچه از نتایج برآورد الگو ملاحظه می شود خصوصی سازی تاثیر مثبتی بر رشد بهره وری صنایع داشته است به عبارتی سیاستهای رقابتی (آزاد سازی تجاری و خصوصی سازی) منجر به عملکرد بهتر بنگاهها شده است. همچنین به پیروی از کوینگ و همکارانش در سناریو (۶) تاثیر خصوصی سازی بر عملکرد بنگاهها با توجه به درجه رقابت بازار مدنظر قرار گرفت چنانچه ملاحظه می شود ضریب متغیر $rp/k*Ir*t$ مثبت بوده و میزان آن بالاتر از ضریب متغیر $rp/k*t$ می باشد که نشان می دهد خصوصی سازی در صنایع سودآور موفق تر از صنایع رقابتی است. مغایر بودن این نتیجه با یافته های کوینگ و همکارانش (۲۰۰۵) و تیرول (۱۹۹۶) همانطور که در بخش مبانی نظری بیان شد به دلیل لحاظ نشدن اثرات پویا و بلندمدت سیاست خصوصی سازی در مطالعات مذکور می باشد. چنانچه براساس نظرات هارت، ویشنی (۱۹۹۷) وقتی شرکتهای دولتی به بخش خصوصی واگذار می شوند انگیزه مالکین جدید در کسب تکنولوژیهای مدرن و نوآوری موجب رشد بهره وری می شود. در این رویکرد سودآوری بنگاههای واگذار شده مشوق وجود چنین انگیزه ای است.

۶- بحث و نتیجه گیری

در این مطالعه تاثیر سیاستهای رقابتی که به طور عمده در قالب آزاد سازی تجاری و خصوصی سازی در ایران اجرا گردیده، بر رشد بهره وری صنایع ایران که میزان آن به شدت رقابت در بازارها وابسته است، مورد ارزیابی قرار گرفت. به منظور انجام این ارزیابی براساس مطالعات انجام شده در این خصوص از الگویی که به بررسی تاثیر درجه رقابت بازار بر بهره وری می پرداخت، استفاده شد و نتایج در قالب ۶ سناریو ارائه گردید.

نتایج حاصل از سناریو اول که در آن متغیرهای سیاستی لحاظ نشده است، نشان می داد سودآوری صنایع (شاخص لرنر) که بر درجه انحصاری آنها دلالت دارد علاوه بر اینکه به طور مستقیم سبب رشد بهره وری می شود از کانال سایر مولفه های موثر بر تغییرات بهره وری از جمله سیکل های تجاری، ورود خالص بنگاهها، مخارج تحقیق و توسعه بر رشد بهره وری تاثیر مثبتی دارد. به عبارتی متغیرهای مذکور در صنایع انحصاری تاثیر مثبتی بر رشد بهره وری دارند.

مدل دوم تا ششم با لحاظ متغیر سیاستهای رقابتی برآورد شده اند. نتایج حاصل از برآورد این سناریو ها نشان می داد که

لازم برای فعالیت و ارتقاء رقابت پذیری در صنایع را ایجاد نماید، الزامی است.

وجود سیاستهای رقابتی مناسب، به منافع حاصل از سودآوری نمی انجامد، ضرورت اصلاح در برنامه ها و سیاستها با تاکید بر درجه رقابت و سودآوری در بخش تولید به گونه‌ای که انگیزه

منابع

- (۱۳۸۵). "سیاست رقابتی و قانون رقابت، سازگاری و پیش شرط های اجرای موثر آنها".
- شمس الدین، حسینی و شفیعی، افسانه (۱۳۸۶). "مقایسه سیاستهای کلی متصل ۴۴ قانون اساسی با سیاست های رقابتی". *جامعه و اقتصاد*، سال سوم شماره سیزدهم و چهاردهم.
- Aghion, p., Bloom, N., Blundell, R., Griffith, R., Howitt, P. and prantl, S. (2009). "The Effects of Entry on Incumbent Innovation and Productivity". *The Review of Economics and Statistics*, 91(1), pp.20-32
- Buccirossi, P. & Ciari, L. & Duso, T., Spagnolo, G. and Vitale, C. (2011). "Measuring the Deterrence Effect of Competition Policy: The Competition Policy Indexes". *Journal of Competition Law and Economics*, 2011, 7, 165-204.
- Criscuolo, C., Haskel, J. and Martin, R. (2004). "Import Competition, Productivity and Restructuring in UK Manufacturing". *Oxford Review of Economic Policy*, 20(3), pp.393-408
- De Loecker, J. and Goldberg, P. K. (2014). "Firm Performance in a Global Market". *Annual Review of Economics*, 6(1), 201-227.
- De Loecker, J. and Van Biesebroeck, J. (2015). "Effect of International Competition on Firm Productivity and Market Power". *Manuscript prepared for The Oxford Handbook of Productivity Analysis*.
- Funakoshi, M. and Motohashi, K. (2009). "A Quantitative Analysis of Market Competition and Productivity". *The Japanese Economy*, 36(1), pp.27-47
- Gupat, N. (2005). "Partial Privatization and Firm Performance". *The Journal of Finance*, LX(2), pp:987-1015
- باستانی، علیرضا و نجفیان، فرزانه (۱۳۸۸). "راهبرد های توسعه تجاری، مبانی نظری و تجربه ایران". معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی.
- خدادکاشی، فرهاد؛ خیابانی، ناصر و جانی، سیاوش (۱۳۹۱). "تحلیل و بررسی تاثیر ساختار بازار بر بهره وری صنایع ایران". *پژوهش ها و سیاست های اقتصادی*، شماره ۶۳. دفتر مطالعات اقتصادی معاونت برنامه ریزی وزارت بازرگانی
- Harrison, A.E. (1994). "An Empirical Test of the Infant Industry Argument". *The American Economic Review*, 84(4). 1090-1095
- Hart, O., Shleifer, A. and Vishny, R. (1997). "The Proper Scope of Government: Theory and an Application to Prisons". *Quarterly Journal of Economics*, 112, pp. 1127-1162.
- Holmes, T. J. and Schmitz, J. A. (2010). "Competition and productivity: A review of evidence. *Annual Review of Economics* 2, 619-642.
- Jaimovich, N. and Floetotto, M. (2008), "Firm Dynamics, Markup Variations and The Business Cycle". *Journal of monetary Economics*, 55, pp. 1238-1252
- Konings, J. Cayseele, P., Frederic, W. (2005). "The Effects of Privatization and Competitive Pressure on Firms' Price-Cost Margines: Micro Evidence From Emerging Economies". *The Review of Economics and Statistics*, 87(1), pp. 124-134
- Macdonald, J. (1994). "Does Import Competition Force Efficient Production?". *The Review of Economics and Statistics*, 24, pp.721-727
- Martin-marcos A., Jaumandreu J. (2004). "Entry, Exit and Productivity Growth: Spanish Manufacturing During The Eighties". *Span.Econ.Rev.* 6, pp. 211-226
- Mohnen, P. and Ten Raa, T. (2008).

- “Competition and Performance: The Different Roles of Capital and Labor”. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 65, pp. 573-584
- Nickell, S.J. (1996). “Competition and Corporate Performance”. *Journal of Political Economy*, 104(4), pp. 724-745
- Nicoletti, G. and Scarpetta, S. (2003). “Regulation, Productivity and Growth: OECD Evidence”. *Economic Policy*, 2003, 18, 9-72.
- Ramaswamy, K. (1999). “Productivity Growth, Protection and Plant Entry in a Deregulating Economy: The Case of India”. *Small Business Economics*, 13, pp. 131-139
- Ross, T. (1988). “Movements Towards Free Trade and Domestic Market Performance With Imperfect Competition”. *Canadian Journal of Economics*, XXI, no.3, pp. 507-524
- Ryan, J.D. (2000). “Fluctuations in Productivity Growth Rates and Input Utilization in U.S. Manufacturing”. *AEJ*: 28(2), pp. 150-163
- Schmidt, M. (1996). “The Costs and Benefits of Privatization: An Incomplete Contracts Approach”. *Journal of Law, Economics and Organization*, 12, pp. 1-25.
- Sekkat, K. (2009). “Does Competition Improve Productivity in Developing Countries?”. *Journal of Economic Policy Reform*, 12(2), pp. 145-162.